

بررسی شرایط درگیری روسیه - اوکراین و نزدیکی مولفه‌های آن بانبرد ۸ ساله ایران و عراق

شباهت‌های دو جنگ

فرسایشی تغییر شکل پیدا کردند.

ازجمله خصوصیات اصلی جنگ ایران و عراق می‌توان به سنکرنندی‌های طولانی، سیم‌خاردارها و استفاده از تسلیحات توپخانه‌ای اشاره کرد که در زمان خود عمدتا با جنگ جهانی اول قیاس می‌شد. اوکراین و روسیه در سال ۲۰۲۲ به طور مشابه شبکه‌های وسیعی از سنگرها را ایجاد کردند؛ در جبهه نبرد در جنوب و شرق اوکراین عمدتا از تسلیحات توپخانه‌ای استفاده می‌شد و نه تانک‌ها. در حملات موشکی عراق و ایران، غیرنظامی‌ها در «جنگ شهرها» هدف گرفته شدند و روسیه هم با بمباران شهرها و شهرک‌ها درصدد تضعیف روحیه شهروندان اوکراینی برآمد؛ اختلال در صادرات نفت در تنگه هرمز در جریان «جنگ نفتکش‌ها» نیز یادآور بحران کنونی در بازار انرژی است.

این دو درگیری در سطح ژئواستراتژیک نیز شباهت‌هایی دارند. هر دو جنگ از نظر چشم‌انداز بین‌المللی زمان خود اهمیت زیادی داشتند و به یک نقطه عطف تبدیل شدند. دیگر کشورها از نزدیک آنها را زیر نظر داشتند و در نهایت، کشورهای هر دو طرف شکاف جنگ سرد در دهه ۱۹۸۰ در این مناقشات درگیر شدند و درحال حاضر، جنگ کنونی در اروپای شرقی در رأس برنامه سیاست خارجی جهان قرار دارد و اوکراین حمایت‌های زیادی از منابع مختلف را شاهد بوده است. روسیه شاهد سطوح پایین‌تری از کمک‌های نظامی و سیاسی بوده است. اثرات جهانی هر دو جنگ از نظر تأثیرگذاری بر اقتصاد بین‌المللی و صنعت انرژی نیز قابل مقایسه است. هر دو درگیری به افزایش قیمت انرژی و سایر اثرات اقتصادی در سراسر جهان منجر شدند.

البته در زمان بررسی شباهت‌ها بین دو درگیری، لازم است که پیشرفت فناوری در سال‌های گذشته و اهمیت قابلیت‌های سایبری در میدان جنگ امروزی نیز در نظر گرفته شود. به‌علاوه برخلاف جنگ ایران و عراق، در اوکراین از جت‌های جنگنده استفاده چندانی نمی‌شود. یک‌سری خصوصیات جغرافیایی و اجتماعی-فرهنگی و سیاسی در میان دو درگیری نیز با یکدیگر تفاوت دارد. با این حال، همان میزان شباهت‌های موجود بین دو درگیری بررسی تصمیم‌های سیاسی در دوران جنگ دهه ۱۹۸۰ را برای تصمیم‌گیری‌های بهتر درباره بحران کنونی ضروری می‌کند.

صبر و آمادگی

در سطح تاکتیکی، خطاهای جنگ ایران و عراق از نیاز به برنامه‌ریزی هوشمندانه برای تهاجم حکایت دارد و مخاطراتی

که از بی‌حوصلگی و عدم آمادگی ناشی می‌شوند. ایران پس از عقب‌راندن تهاجم اولیه عراق، پیشروی‌های خود را اغلب بدون نیروی انسانی یا تدارکات لازم آغاز کرد. این حملات حسن تاکتیکی چندانی نداشتند و اغلب برای موفقیت، باید چندین مرتبه تکرار می‌شدند. عراق هم به‌طور مشابه، عملیات ناموفق و دشوار مشابهی داشت و حملات فاجعه‌باری با برنامه‌ریزی ضعیف و شتاب‌زده در مکان‌هایی مانند جزیره مجنون و مهران انجام داد.

برخلاف سابقه جنگ ایران و عراق، اوکراین تاکنون حملات موفقی در شرق و اطراف خرسون داشته و تلاش‌های آن در بازپس‌گیری سرزمین‌هایش صبورانه و مؤثر بوده است. با این حال، پیشروی بدون تسلیحات مورد نیاز برای پیشروی‌های آتی می‌توانند مانند بسیاری از حملات ناموفق ایران و عراق، عجولانه باشد. حتی تانک‌هایی که غرب به‌تازگی با فرستادن آنها به اوکراین موافقت کرده، گرچه می‌توانند مؤثر واقع شوند؛ اما لازم است که ابتدا تأثیر آنها بر قابلیت‌های عملیاتی اوکراین با دقت ارزیابی شود. تعدد حملات ناموفق یا با تأثیرگذاری پایین در جریان جنگ ایران و عراق نه‌تنها به افزایش شمار کشته‌شدگان هر دو طرف انجامید، بلکه خطوط تهاجمی را شکست و این امکان را برای طرفین فراهم آورد تا پس از حملات، میزان درخور توجهی از خاک را پس بگیرند. یک حمله نافرجام اوکراینی که بدون برنامه‌ریزی مناسب صورت بگیرد نیز می‌تواند فرصت تجدید قوا و تثبیت نیرو را برای روسیه فراهم آورد. اوکراین خیلی زود درک خواهد کرد که صبر یک فضیلت است.

مسیر طولانی پیش‌رو

دومین درس مهمی که می‌توان از جنگ ایران و عراق گرفت، به ماهیت طولانی جنگ مربوط می‌شود و اینکه درنهایت به یک بن‌بست خونین کشیده شد. پس از سال اول جنگ، سرعت درگیری به‌تدریج کاهش یافت تا سرانجام هشت‌سال بعد به‌طورکلی متوقف شد. جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های متعارف قرن بیستم بود. از جنگ اوکراین هنوز یک سال کامل نگذشته اما تهاجم روسیه و دفاع اوکراین و کندترشدن سرعت جنگ در زمستان می‌تواند نشانه‌هایی از پیشروی جنگ اوکراین در مسیر جنگ ایران و عراق باشد. برخی امیدوار بودند بازپس‌گیری خرسون از سوی اوکراین به‌معنای پایان جنگ باشد اما احتمال حمله روسیه در بهار با حدود ۳۰۰ هزار سرباز جدید احتمالا به این معنا خواهد بود جنگ در سال‌های آتی ادامه خواهد یافت.

اگر هدف سیاست‌گذاران غربی بازگشت اوکراین به مرزهای



قبل از تهاجم روسیه باشد، باید بداندت که جنگ احتمالا بیشتر از انتظار آنها طولانی خواهد شد و ازاین‌رو، آنها باید ظرفیت کمک‌های گسترده غرب و اشت‌های سیاسی برای حمایت مستمر را در نظر بگیرند. حمایت نظامی و کمک‌های بشردوستانه مستمر به اوکراین شاید با برنامه‌های کمک‌های فوریتی دقیق، با یک بودجه کامل و بلندمدت ممکن شود. حمایت‌های مالی همچنین باید کمک به بازسازی شهرها و شهرک‌های ویران‌شده اوکراین و اقتصاد به‌شدت تضعیف‌شده این کشور را دربر بگیرند. نگرانی عمومی از «خستگی اوکراین» که احتمالا به پایان کمک‌ها به این کشورها خواهد انجامید، هنوز رخ نداده است؛ اما مقامات غربی باید اطمینان حاصل کنند دولت‌ها و مردم آنها برای کمک طولانی‌مدت به اوکراین، حتی در مواجهه با چالش‌های اقتصادی داخلی، آماده هستند.

منسجم، ثابت قدم، با بصیرت

سیاست‌گذاران همچنین باید اطمینان حاصل کنند که برنامه‌ها و سیاست‌های آنها یک چشم‌انداز ظریف از وحدت چندجانبه بین متحدان را در اولویت ارائه دهد و در رابطه با پیامدهای مشارکت در اروپای شرقی بصیرت کافی داشته باشند. سیاست غرب در قبال جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ می‌تواند یک نمونه مطالعاتی برای چگونگی عدم مدیریت بحران باشد. واکنش آنها را در بهترین حالت می‌توان مبهم توصیف کرد. اعضای ناتو از جمله فرانسه و ایتالیا از عراق حمایت کردند و بریتانیا و ایالات متحده به هر دو طرف تسلیحات و قطعات فرستادند. شرکای دو سوی اتلانتیک در مراحل پایانی درگیری از عراق حمایت بیشتری کردند، اما دو دهه بعد خودشان با این کشور وارد جنگ شدند. ایالات متحده و بریتانیا نه‌تنها در دهه ۱۹۸۰ دستاوردهای استراتژیک چندانی در خاورمیانه نداشتند، بلکه با سیاست‌های اشتباه به منافع بلندمدت خود آسیب زدند. اگرچه بعید

است استراتژی ناتو در اوکراین به اندازه جنگ ایران و عراق غیرمنسجم باشد، اما سران این کشورها باید اطمینان حاصل کنند که سیاست‌گذاری‌های آنها به‌طور جمعی سازگار، قاطعانه و منطقی باقی می‌ماند. بریتانیا با وجود دو تغییر در دفتر نخست‌وزیری از سپتامبر، همچنان به حمایت از اوکراین ادامه داده و ایالات متحده در دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن با وجود افزایش مخالفت جمهوری خواهان، تقریبا ۲۵ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده است. با این حال، نمی‌توان اتحاد بین سایر اعضای ناتو را به همین اندازه منسجم و ثابت‌قدم دانست. آلمان در حمایت مالی از اوکراین تعلل نشان داده و مجارستان هم یکی از دوستان ولادیمیر پوتین در اروپا قلمداد می‌شود و ترکیه هم نقشی بین تسکین‌دهنده روسیه و یک میانجی مفید را بازی کرده است.

بااین‌حال، برخی از تحولات اخیر از نوعی هماهنگی در جبهه حامی اوکراین حکایت دارند. به نظر می‌رسد تصمیم فرانسه برای ارسال خودروهای زرهی، بریتانیا را به ارسال یک اسکادران از تانک‌های چلنجر ۲ و حدود ۳۰ هوپتزر ترغیب کرده است. حتی آلمان هم حاضر شده تانک‌های لئوپارد ۲ به اوکراین بفرستد و آمریکایی‌ها به ام آبرامز متعهد شده‌اند. نگرانی‌ها درباره اینکه منابع و تجهیزات به دست افراد نادرست بیفتند و آسیبی جدیدی به بار آورند، کاملا منطقی و بجاست؛ بااین‌حال، ناتو باید برای جلوگیری از یک اتفاق ناگوار به اوکراین و فرستد و آمریکایی‌ها به ام آبرامز متعهد شده‌اند. کند. تاریخ نشان می‌دهد ناهماهگنی بین متحدان نه‌تنها برای اوکراین، بلکه برای ناتو نیز گران تمام خواهد شد.

جدی‌ترین خطر

یک تفاوت بزرگ بین این دو جنگ دست‌کم تا این لحظه، به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی مربوط می‌شود. ادامه در صفحه ۵

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran